الوتر الموتور و منتقم الموعود

علی اکبر مهدی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

الوتر الموتور و المنتقم الموعود

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

نشریه موعود

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

الوتر الموتور و المنتقم الموعود

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران۸۴-۴۵۹۶۲

سرشناسه : مهدی‌پور، علی‌اکبر

عنوان و نام پدیدآور : الوتر الموتور و المنتقم الموعود/ مهدی‌پور، علی‌اکبر

منشا مقاله : ، موعود، ش ۴۸، (آبان ۱۳۸۳): ص ۴۴ - ۴۷.

توصیفگر : محمدبن‌حسن (عج)، امام دوازدهم

توصیفگر : ظهور منجی

توصیفگر : احادیث

توصیفگر : رجعت

نقد و بررسی چند حدیث مشهور

امسال در حالی به استقبال یکهزار و یکصد و هفتادمین سالروز میلاد مسعود «موعود کعبه» می‌رویم که آستان ملک پاسبان «مولود کعبه» مورد تهاجم شدید استکبار جهانی و ایادی داخلی آن قرار دارد و کهنسال‌ترین آکادمی علمی شیعیان سخت‌ترین روزهای خود را در حیات علمی هزارساله پشت سر می گذارد.بسیار طبیعی است که شیعیان شیفته و منتظران دلباخته منجی جهانی و مصلح آسمانی، در کوران حوادث خونبار و بحران جنایات مرگبار، بیش از هر مقطع دیگری به یاد انتقام الهی، در اندیشه منتقم جهانی و در انتظار بیرون آمدن آن دست انتقام خدایی از پشت پرده غیبت طولانی باشند.باز هم بسیار طبیعی است که در این مقاطع حساس، یک سلسله تردیدها و شبهات حساب شده، از سوی تئوری‌پردازان و کارشناسان مغرض مسائل منطقه‌ای و دشمنان قسم خورده اسلام که توسط دوستان ناآگاه نیز بزرگنمایی شده، اذهان جمعی را به خود مشغول سازد.پیش از این، در برخی از فصلنامه‌های فرهنگ مهدویت، مطالبی تحت عنوان «بررسی چند حدیث شبهه‌ناک پیرامون آفتاب عالمتاب» به دوستداران فرهنگ مهدویت تقدیم شده و شماری از احادیث مشهور ولی بی‌پایه مورد بحث و انتقاد قرار گرفته، در این نوشتار نیز به ابعاد دیگری از این مسأله می‌پردازیم و یادآور می‌شویم که حق مطلب در چند صفحه ادا نمی‌شود و بحث کامل، تألیف کتاب مستقلی را طلب می کند.

دست انتقام الهی در آستین غیبت

یکی از اسامی گرامی آن ویرانگر کاخهای ظلم و استبداد و بازستاننده حقوق از دست رفته توده‌های مظلوم جهان، حضرت بقیةاللّه ارواحنا فداه، «منتقم» است.واژه منتقم در احادیث فراوانی به «دست انتقام الهی» اطلاق شده، که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم:۱. خداوند منان در شب معراج چهره درخشان امام زمان (ع) را چون خورشیدی فروزان به پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ارایه داده فرمود:یا محمد و عزّتی و جلالی، إنّه الحجّة الواجبة لأولیائی والمنتقم من أعدائی. [۱] .ای محمد به عزت و جلالم سوگند که او حجت واجب بر دوستان من، و منتقم از دشمنان من است.۲. نیز در شب معراج در همین‌باره فرمود:و هذا القائم الّذی یحلّل حلالی و یحرّم حرامی و به أنتقم من أعدائی. [۲] .این ایستاده همان است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند، من به وسیله او از دشمنانم انتقام می گیرم.۳. روز عاشورا پس از هنگامه شهادت، فرشتگان به ضجّه درآمدند و عرضه داشتند: بار خدایا با حسین،

برگزیده تو و فرزند پیامبرت چگونه رفتار کردند؟! خداوند شبح حضرت قائم (ع) را برای آنان نمودار ساخت و فرمود:بهذا أنتقم له من ظالمیه. [۳] .با همین – ایستاده – انتقام حسین (ع) را از ستمگرانش می گیرم.۴. حضرت موسی بن جعفر (ع) در تعقیبات نماز عصر عرضه می‌داشت:و أن تعجّل فرج المنتقم لک من أعدأک. [۴] .و در فرج منتقم خود از دشمنانت تعجیل بفرما.نوفلی – راوی حدیث – به امام کاظم (ع) عرض کرد: این دعا در حق چه کسی است؟ فرمود:ذلک المهدیّ من آل محمّد (ص). [۵] .این دعا در حق حضرت مهدی از آل محمد (ع) می‌باشد.آنگاه به تفصیل از سیرت، صورت و نشانه‌های ظهورش سخن گفت. [۶] .۵. احمد بن اسحاق قمی [۷] به امام عسکری (ع) در سامرا عرض کرد: امام بعد از شما کیست؟امام (ع) برخاسته به اندرون رفت، فرزند دلبندش را که حدوداً سه ساله بود و چهره‌اش چون ماه چهارده شبه می‌درخشید وارد مجلس کرد و خطاب به احمدبن اسحاق فرمود: اگر نبود که تو در نزد خدا و حجج الهی عزیز و گرامی هستی، من فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم.احمد بن اسحاق از نشان امامت پرسید، یک مرتبه آن نور دیده لبهای نازکتر از گل‌اش را حرکت داد و به عربی فصیح فرمود:أنا بقیّهٔاللَّه فی أرضه، والمنتقم من أعدائه، فلا تطلب أثراً بعد عین. [۸] .من تنها بازمانده الهی هستم، من دست انتقام الهی از دشمنان اویم، پس از مشاهده دیگر از نشانه مپرس.در احادیث یاد شده، واژه «منتقم» به آن حضرت اطلاق شده است.یکی دیگر از القاب گرامی حجت خدا «الثّائر» از ریشه «ثأر» می‌باشد. «ثأر» در لغت به معانی زیر آمده:۱. خون مطالبه شده [۹] مقابل «طلّ» به معنای خون هدر رفته؛ [۱۰] .۲. طلب خون؛ [۱۱] .۳. خون. [۱۲] .بر این اساس «ثائر» به معنای خونخواه و طالب خون است. [۱۳] .ولی خونخواهی که تا انتقام خونش را نگیرد آرام نشود. [۱۴] . «ثائر» یکی از القاب حضرت بقیهٔاللَّه، ارواحنا فداه، است، که خداوند منان در شب معراج حضرت مهدی (ع) را با این لقب به حبیبش معرفی نمود:۶. حضرت احدیت جلّت عظمته، در شب معراج پس از بیان خلعت نورانی چهارده نور پاک، خطاب به خواجه لولاک فرمود:یا محمد! آیا دوست داری آنان را مشاهده کنی؟حضرت ختمی مرتبت عرضه داشت: آری، پروردگارا.خطاب شد به طرف راست عرش بنگر.چون نگریست، نور حضرت زهرا و ائمه هدی (ع) را در حال قیام و مشغول عبادت مشاهده نمود و حضرت مهدی در میان آنان چون ستاره‌ای فروزان می‌درخشید.یا محمد! هؤلاء الحجج، و هذا الثّائر من عترتک. [۱۵] .ای محمد! اینها حجتهای من هستند و این «خونخواه» عترت تو می‌باشد.در این حدیث شریف خداوند ولیّ خودش را به عنوان «ثائر» یعنی منتقم و خونخواه عترت پیامبر معرفی نموده است.در بسیاری از زیارات مأثور از پیشوایان معصوم از امام حسین (ع) «ثاراللَّه» تعبیر شده، از جمله در فرازی از زیارت عاشورا [۱۶] می‌خوانیم:السلام علیک یا ثاراللَّه وابن ثاره. [۱۷] .اگر معنای «ثار» : طلب خون یا خون طلب شده باشد، معنای این فراز از زیارت عاشورا؛ چنین می‌شود:سلام بر شما ای خون طلب شده الهی و پسر خون طلب شده الهی.یعنی: خونخواه امام حسین و پدرش امیرالمؤمنین (ع) حضرت احدیت است.و اگر «ثار» به معنای خون باشد، معنای فراز یاد شده چنین می‌شود:سلام بر شما ای خون خدا و پسر خون خدا.در این صورت اضافه «ثار» به سوی لفظ جلاله از باب اضافه تشریفیه می‌شود، همانند اضافه بسیاری از واژه‌ها به لفظ جلاله، یعنی همانگونه که به کعبه: «بیت‌اللَّه» ، [۱۸] به حضرت عیسی: «روح اللَّه» ، به حجرالاسود «یمین‌اللَّه» ، [۱۹] به امیر مؤمنان: «حبل‌اللَّه» ، و «عین‌اللَّه» ، «جنب‌اللَّه» و «لسان‌اللَّه» می گوییم [۲۰] به امام حسین (ع) نیز «ثاراللَّه» می گوییم.۷. در فرازی از زیارت عاشورا می‌خوانیم:فأسأل اللَّه الذی أکرم مقامک، أن یکرمنی بک و أن یرزقنی طلب ثارک مع إمام منصور من آل محمد (ص). [۲۱] .از خداوندی که جایگاه ترا گرامی داشت، مسألت می کنم که به جهت تو مرا نیز گرامی بدارد و روزی کند که خون ترا در محضر امام نصرت یافته از آل محمد (ع) مطالبه نمایم.۸. و در فراز دیگری از آن می‌خوانیم:و أن یرزقنی طلب ثارکم مع إمام مهدی ظاهر ناطق بالحق منکم. [۲۲] .مرا روزی کند که در خدمت حضرت مهدی به حق ناطق، که از شما خاندان ظهور خواهد کرد، خون شما را مطالبه نمایم.۹. در یک حدیث طولانی امام صادق (ع) فضایل، مناقب و ویژگیهای اصحاب خاص حضرت مهدی (ع) را می‌شمارد، از جمله می‌فرماید:شعارهم یا لثارات الحسین. [۲۳] .شعار آنها «ای منتقمان خون امام حسین» است.۱۰. امام رضا (ع) در مورد ۴۰۰۰ فرشته‌ای که از روز عاشوار در کنار قبر امام حسین

(ع) منتظر ظهور منتقم آل محمد (ع) هستند، می‌فرماید:شعار آنها: یا لثارات الحسین! است. [۲۴] .یعنی: ای خونخواهان حسین (ع). [۲۵] .یکی دیگر از اسامی حضرت بقیهٔ‌اللَّه، ارواحنا فداه، «الموتور» است، چنانکه حضرت رسول اکرم (ص) فرمود:و هو الطّرید الشّرید الموتور بأبیه وجده. [۲۶] . «مؤتور» از ماده «وتر» به معانی زیر آمده است:۱. خون؛ [۲۷] .۲. فرد؛ [۲۸] .۳. نقص؛ [۲۹] .۴. صاحب خون و طلب کننده آن؛ [۳۰] .۵. کسی که خونی از او ریخته شده و خونش گرفته نشده؛ [۳۱] .۶. جنایتی که بر کسی وارد شده. [۳۲] .به اولیای دم از این جهت «مؤتور» گویند که خون عزیزش ریخته شده، نقصی بر جمع او وارد شده، تنها گشته، خون عزیزش گرفته نشده، او طالب و منتقم خون عزیز خود می‌باشد.پس معنای فراز بالا۔ چنین می‌شود:او رانده شده از وطن است که خون پدر و نیاکانش بر زمین مانده.از اینجاست که در دهها زیارت مأثور از پیشوایان معصوم به امام حسین (ع) نیز «الوتر الموتور» تعبیر شده [۳۳] یعنی خون بر زمین مانده.امام حسین (ع) «مؤتور» است (خون بر زمین مانده) و فرزند رشیدش حضرت بقیهٔ‌اللَّه ارواحنا فداه نیز «الموتور بابیه وجده» یعنی صاحب خون و خونخواه پدر و نیاکان بزرگوارش.در اینجا اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که خون در میان مانده منحصر به سالار شهیدان نیست و صاحب خون تنها حضرت بقیهٔ‌اللَّه نیست، بلکه همه امامان معصوم صاحب خون و همه خونهای به ناحق ریخته شده در طول تاریخ، مورد مطالبه است:۱۱. امام صادق (ع) می‌فرماید:ألا و بناتدرك ترهٔ [۳۴] کلّ مؤمن. [۳۵] .آگاه باشید که خون هر مؤمنی به وسیله ما گرفته می‌شود.۱۲. و در زیارت مأثور از آن حضرت آمده است:بکم یدرك اللَّه ترهٔ کلّ مؤمن. [۳۶] .خداوند به وسیله شما خون هر مؤمنی را می گیرد.۱۳. و لذا در فرازی از دعای ندبه [۳۷] می‌خوانیم:أین الطّالب بذحول الأنبیاء و أبناء الأنبیاء. [۳۸] .کجاست خونخواه پیامبران و فرزندان پیامبران. «ذحول» جمع «ذحل» به معنای طلب کیفر جنایت [۳۹] دقیقاً همانگونه که بر مقتول واقع شده است. [۴۰] .یعنی آن دست انتقام الهی هر جنایتی را که بر یکی از پیامبران و یا پیامبرزادگان واقع شده، دقیقاً همانگونه که انجام شده، از ستمگران انتقام می گیرد.۱۴. و در فراز دیگری آمده است:أین الطّالب بدم المقتول بکربلا. [۴۱] .کجاست طلب کننده خون شهید کربلا؟.۱۵. در ذیل آیه شریفه: أذن للّذین یقاتلون بانّهم ظلموا. [۴۲] از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود:این آیه در حق قائم (ع) است که در هنگامه ظهور، خون امام حسین (ع) را مطالبه می کند و می‌فرماید:نحن أولیاء الدّم و طلّاب الترّهٔ. [۴۳] .ما اولیای دم و طلب کنندگان خون – عزیزانمان – هستیم.در برخی از منابع به جای «الترّهٔ» ، «الدّیهٔ» آمده، [۴۴] یعنی ما اولیای دم و طالبان دیه هستیم، و در یک مورد «الثرّهٔ» آمده [۴۵] که اشتباه است.۱۶. در ذیل آیه شریفه: و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیّه سلطاناً [۴۶] روایت شده که منظور از «مقتول» امام حسین (ع) و منظور از «ولیّ او» قائم (ع) است. [۴۷] .در ادامه آیه شریفه آمده است: فلا یسرف فی‌القتل؛ کسی که مظلومانه کشته شود برای ولیّ او سیطره قرار دادیم، پس در کشتن اسراف نکند.امام باقر (ع) فرمود:الإسراف فی القتل أن یقتل غیر قاتله. [۴۸] .اسراف در قتل آن است که به جز قاتل شخص دیگری را بکشد.۱۷. مرحوم کلینی با سلسله اسنادش از سیف بن عمیره، از اسحاق بن عمار [۴۹] در تفسیر اسراف در این آیه شریفه از امام کاظم (ع) روایت کرده که فرمود:نهی أن یقتل غیر قاتله أو یمثد بالقاتل. [۵۰] .خداوند نهی فرموده از اینکه جز قاتل شخص دیگری را بکشد و یا قاتل را مثله کند.آنچه در این دو حدیث شریف در تفسیر واژه «اسراف» در آیه شریفه آمده، کاملاً منطقی و مطابق با ضوابط شرع و محکمات عقیدتی و فقهی ما است، ولی در مقابل حدیث دیگری در همین رابطه نقل شده که با ضوابط فقه شیعه و محکمات اعتقادی ما سازگار نیست و احتیاج به نقد و بررسی دارد و اینك متن حدیث:مرحوم کلینی، از علی بن محمد (قتیبی)، از صالح (بن ابی حمّاد)، از حجال (عبداللَّه بن محمد اسدی)، از برخی از اصحابش (؟)، در تفسیر آیه و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلا یسرف فی‌القتل. [۵۱] .از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود:نزل فی الحسین (ع)، لو قتل أهل الأرض به ما کان سرفا. [۵۲] .در حق امام حسین (ع) نازل شده، که اگر همه اهل زمین را در مقابل او بکشد اسراف نخواهد بود!!در منابع فراوان این حدیث به نقل از مرحوم کلینی آمده است. [۵۳] .

بررسی حدیث از نظر سند و محتوا

این حدیث علیرغم وقوع آن در کتاب شریف کافی قابل اعتماد و استناد نیست، که در اینجا به‌طور فشرده به برخی از اشکالهای سندی و محتوایی آن اشاره می‌کنیم:اما از نظر سند۱. مرحوم کلینی آن را از «علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری، شاگرد برجسته فضل بن شاذان نقل کرده، که به تصریح آیت‌اللّه خویی قدس‌سره وثاقتش ثابت نشده [۵۴] تنها «کشی» بر او اعتماد کرده، مرحوم «نجاشی» پس از ستایش فراوان از کشی فرموده: او به کثرت از ضعفا روایت می‌کند. [۵۵] .۲. علی بن محمد نیز آن را از «صالح بن ابی حماد» روایت کرده، که نجاشی امر او را ملتبس دانسته، [۵۶] ابن غضائری او را تضعیف کرده [۵۷] و علامه درحق او توقف نموده است. [۵۸] .۳. صالح بن ابی حماد نیز آن را از «حجال» نقل کرده، و حجال در میان سه نفر مشترک است، ولی در اینجا منظور «عبداللّه بن محمدی اسدی» می‌باشد. [۵۹] .۴. حجال بدون تردید مورد اعتماد است [۶۰] جز اینکه ایشان از برخی از اصحاب نقل کرده و از او نام نبرده و خود از کسانی نیست که مرسلاتش در حکم مسند باشد. [۶۱] .۵. علامه مجلسی نیز به ضعف سند روایت به صراحت داوری کرده است. [۶۲] .اما از نظر محتوامتن حدیث نیز مشکلاتی دارد که برخی از آنها اشاره می‌کنیم:۱. این حدیث معارض است با حدیث دیگری که مرحوم کلینی در تفسیر همین آیه از امام کاظم (ع) روایت کرده که فرمود:منظور از اسراف که خداوند از آن در این آیه نهی فرموده آن است که به جز قاتل، شخص دیگری را بکشد و یا قاتل را مثله کند. [۶۳] .۲. این حدیث معارض است با حدیث امام باقر (ع) در تفسیر همان آیه که فرمود:اسراف در قتل آنست که به جز قاتل شخص دیگری را بکشد. [۶۴] .۳. این حدیث معارض است با حدیث امام صادق (ع) در تفسیر همین آیه که فرمود:اسراف در قتل آن است که بیش از یک نفر در برابر یک نفر کشته شود. [۶۵] .۴. این حدیث معارض است با بیان ابن‌عباس، شاگرد برجسته حضرت علی (ع) که در تفسیر همین آیه فرمود:اسراف در قتل آن است که جز قاتل، شخص دیگری را بکشد. [۶۶] .۵. این حدیث معارض است با بیان سعید بن جبیر و دیگر یاران در تفسیر آیه شریفه که فرمودند:اسراف در قتل آن است که بیش از یک نفر در برابر یک تن کشته شود. [۶۷] .۶. این حدیث معارض است با اقوال مفسران بزرگی چون شیخ طوسی که همان دو معنی را؛ در تفسیر این آیه نقل کرده‌اند. [۶۸] .۷. این حدیث مخالف است با وصیت امیر مؤمنان (ع) که در وصیت خود خطاب به فرزندان عبدالمطلب فرمود:هرگز نبینم که به بهانه کشته شدن من خون مسلمانها را بر زمین بریزید، آگاه باشید که برای من جز قاتلم را نکشید. [۶۹] .۸. این حدیث معارض است با مسلمات فقه جعفری که اگر بیش از یک نفر در قتل کسی شرکت کنند، ولیّ دم می‌تواند همه آنها را بکشد، به شرط اینکه دیه مازاد به یک تن را به اولیای دم بپردازد به اجماع طائفه امامیه، [۷۰] احادیث نیز در این رابطه بسیار است. [۷۱] .۹. این حدیث مخالف است با اهتمام خاص اسلام بر رعایت دقیق آداب و احکام اسلامی، حتی در مورد قاتلان امام حسین (ع).از امام صادق (ع) پرسیدند: آیا خوردن مال ناصبی جایز است؟ فرمود:کسی که به تو امانتی سپرده و از تو انتظار خیر دارد، امانتش را به او برگردان، اگر چه قاتل امام حسین (ع) باشد. [۷۲] .۱۰. این حدیث معارض است با آیه شریفه: لاتزر وازرهٔ وزراخری که در پنج سوره آمده است و ما ان شاء اللّه در شماره دیگری به تفصیل در این زمینه سخن خواهیم گفت.علامه مجلسی علاوه بر تصریح به ضعف سند حدیث، به جهت ناسازگاری متن آن با محکمات عقیدتی ما به توجیه آن پرداخته می‌فرمایند:احتمال می‌رود منظور از اسراف در این آیه از نظر کثرت نباشد، بلکه منظور این باشد که اگر همه مردم روی زمین در قتل آن حضرت شرکت کنند، یا به آن رضایت دهند، کشتن آنها اسراف نباشد. [۷۳] .در این رابطه نیز گفت و گو خواهیم داشت.

پاورقی

[۱] شیخ طوسی، الغیبهٔ، ص۱۴۸، ح۱۰۹؛ فرات کوفی، تفسیر فرات، ج۱، ص۷۵، ح۴۸؛ حموینی، فرائد السمطین، ج۲، ص۳۱۹؛ حر عاملی، اثبات الهداهٔ، ج۱، ص۵۴۹؛ خاتون‌آبادی، کشف‌الحق، ص۱۱۴، ح۱۷.

[۲] شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۳، باب ۲۳، ح ۲؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

[۳] شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۱۸، مجلس ۱۴، ح ۸۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱.

[۴] شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۴، کتاب الصلاهٔ، ح ۹۲.

[۵] سیدابن طاووس، فلاح السائل، ص ۲۰۰، فصل ۲۱.

[۶] مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

[۷].

[۸] شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸، ح ۱.

[۹] ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۱، ص ۳۹۷.]

[۱۰] ابوهلال، الفروق اللّغویه، ص ۲۵۳.

[۱۱] خلیل، ترتیب العین، ص ۱۱۴.

[۱۲] طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۳۴.

[۱۳] ابن اثیر، النهایهٔ، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۴] ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۷۷.

[۱۵] طوسی، الغیبهٔ، ص ۱۴۸، ح ۱۰۹؛ ابن‌شاذان، مائهٔ منقبه، ص ۶۵، منقبت ۱۷؛ خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۱۴۷، فصل ۶، ح ۲۳؛ حموینی، فرائدالسمطین، ج ۲، ص ۳۲۰، ح ۵۷۱؛ بحرانی، غایهٔالمرام، ج ۷، ص ۸۸، ج ۷، ص ۸۸، ح ۲۷.

[۱۶] علیرغم برخی از افراد استاد ندیده که عنوان «علامه» را یدک می‌کشند و در سند زیارت عاشورا تردید می‌کنند، زیارت عاشورا سند بسیار قوی دارد، علاقمندان به کتاب «شفاء الصدور» از میرزا ابوالفضل تهرانی، ج ۱، ص ۳۰–۷۸ و «اللّؤلؤ النّضید» از شیخ نصراللّه شبستری، ص ۹–۷۱ مراجعه فرمایند.

[۱۷] شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۷۴.

[۱۸] سوره بقره (۲) آیه ۱۲۵؛ سوره حج (۲۲) آیه ۲۶.

[۱۹] ابن أثیر، النهایه، ج ۵، ص ۳۰۰.

[۲۰] صدوق، التوحید، ص ۱۶۵، ب ۲۲، ح ۲؛ تستری، احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۸۵؛ بحرانی، غایهٔالمرام، ج ۴، ص ۸، ب ۴۲، ح ۳؛ قندوزی، ینابیع‌الموده، ج ۳، ص ۴۰۱، ب ۹۵، ح ۱.

[۲۱] ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۷، ب ۷۱، ح ۸.

[۲۲] شیخ طوسی، مصباح المتهجد، ص ۷۷۵.

[۲۳] علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۸.

[۲۴] شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۱۲، مجلس ۲۷، ح ۵.

[۲۵] برای شرح واژه «لثارات الحسین» ر.ک: تهرانی، شفاء الصدور، ج ۱، ص ۲۲۷.

[۲۶] کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۳، ب نص بر امام جواد، ح ۱۴؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۶؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۹۲.

[۲۷] ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۶، ص ۸۴.

[۲۸] طریحی، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۵۰۸.

[۲۹] رازی، مختار الصحاح، ص ۷۰۷.

[۳۰] طریحی، همان، ص۵۰۹.

[۳۱] ابن‌منظور، لسان العرب، ج۱۵، ص۲۰۵.

[۳۲] ابن‌اثیر، النهایه، ج۵، ص۱۴۸.

[۳۳] علامه مجلسی، بحارالانوار، ج۱۰۱، ص ۲۰۰؛ ۲۲۳؛ ۲۶۰؛ ۲۹۱؛ ۲۹۰؛ ۳۳۷؛ ۳۵۳؛ ۳۶۰.

[۳۴] در مثال واوی معمولاً واو از اول آن حذف می‌شود و به جای آن تاء به آخر آن افزوده می‌شود، مانند «وعد» و «عدة» ؛ «وثق» و «ثقة» ، در اینجا نیز واو «وتر» افتاده و تایی به آخر آن آمده «تره» گفته شده.

[۳۵] جاحظ، البیان والتبیین، ج۲، ص ۵۰؛ ابن عبدربه، العقد الفرید، ج۴، ص۱۵۷.

[۳۶] کلینی، الکافی، ج۴، ص۵۷۶؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج۶، ص۵۵؛ صدوق، الفقیه، ج۲، ص۳۵۹.

[۳۷] جمعی از بیمار دلان در سند دعای ندبه نیز ابراز تردید کرده‌اند، در این رابطه ر.ک: «با دعای ندبه در پگاه جمعه» ص ۴۰–۶۳، نشر موعود.

[۳۸] ابن‌المشهدی، المزار الکبیر، ص۵۷۹.

[۳۹] خلیل، ترتیب العین، ص۲۸۴.

[۴۰] ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج۲، ص ۳۷۰.

[۴۱] ابن‌المشهدی، همان.

[۴۲] سوره حج (۲۲) آیه ۳۹.

[۴۳] حر عاملی، اثبات الهداة، ج۳، ص۵۵۲؛ فیض، تفسیر صافی، ج۵، ص۱۴۵؛ بحرانی، المحجه، ص۱۴۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج۵۱، ص۴۷.

[۴۴] علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج۲، ص۸۵؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ح۶، ص۵۶۵.

[۴۵] طریحی، مجمع‌البحرین، ج۳، ص۲۳۴.

[۴۶] سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۳.

[۴۷] عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۳، ص ۵۰؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج۳، ص۵۵۲؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج۶، ص۸۷.

[۴۸] همان.

[۴۹].

[۵۰] کلینی، الکافی، ج۷، ص ۳۷۱.

[۵۱] سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۳.

[۵۲] کلینی، الکافی، ج۸، ص ۲۱۲، ح۳۶۴.

[۵۳] استرآبادی، تأویل الآیات، ج۱، ص ۲۸۰؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج۶، ص۸۵؛ همو، حلیةالأبرار، ج۵، ص۴۰۶؛ مشهدی، کنزالدقایق، ج۷، ص۴۰۳؛ فیض، تفسیر صافی، ج۴، ص۴۰۸؛ حویزی، نورالثقلین، ج۳، ص ۱۶۲.

[۵۴] خویی، معجم رجال الحدیث، ج۹، ص۵۴.

[۵۵] نجاشی، رجال، ص۳۷۲، رقم ۱۰۱۸.

[۵۶] نجاشی، رجال، ص۱۹۸، رقم ۵۲۶.

[۵۷] ابن الغضائری، رجال، ص ۷۰، رقم ۷۳.

[۵۸] علامه، رجال، ص ۲۳۰.

[۵۹] مدرس، ریحانة الادب، ج۲، ص۲۲.

[۶۰] نجاشی، رجال، ص۲۲۶، رقم ۵۹۵.

[۶۱].

[۶۲] مجلسی، مرآت العقول، ج۲۶، ص۲۳۸.

[۶۳] کلینی، الکافی، ج۷، ص ۳۷۱.

[۶۴] عیاشی، تفسیر، ج۳، ص ۵۰؛ حر عاملی، اثبات‌الهداة، ج۳، ص۵۵۲؛ بحرانی، تفسیر البرهان، ج۶، ص۸۷؛ همو، حلیة الأبرار، ج۵، ص۴۰۵.

[۶۵] کلینی، الکافی، ج۷، ص۲۸۵.

[۶۶] ثعلبی، تفسیر الکشف والبیان، ج۶، ص۹۷.

[۶۷] سیوطی، الدّر المنثور، ج۴، ص۱۸۱.

[۶۸] طوسی، التّبیان، ج۶، ص۴۷۶.

[۶۹] نهج‌البلاغه، بخش‌نامه‌ها، وصیت ۴۷.

[۷۰] ابن زهره، غنیه، سلسلة الینابیع الفقهیه، ج۲۴، ص۲۴۴.

[۷۱] کلینی، کافی، ج۷، ص۲۸۳.

[۷۲] کلینی، کافی، ج۸، ص۲۴۵، ح۴۴۸.

[۷۳] مجلسی، بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۱۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سـهولت رفع ابهام و شـبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشـر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سـندش، از امام حسین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».